

## در هشت مارس جای حجاب زیر پا است، نه روی سر



روز چهارشنبه ۲۷

ماه فوریه، اولین جلسه معرفی کتاب "من از مذهب رویگردانم" در شهر برلین برگزار شد. در این جلسه مینا احدی، سینا فوگت و میکایل اشمیت سالمون سخنرانی کردند. کتاب من از مذهب رویگردانم، بیوگرافی مینا

احدی است. او که در دوران کودکی و نوجوانی خود، دیکتاتوری شاه را تجربه کرده و بر علیه

### آپارتاید جنسی توهین به انسان و انسانیت است!

زنان و مردان آزاده!

صدمین سالگرد هشت مارس روز جهانی زن را به همه شما زنان و مردان آزادیخواه تبریک میگویم. هشتم مارس روز اعتراض همه آزادیخواهان جهان به بی حقوقی و نابرابری هائی است که در سراسر دنیا علیه زنان اعمال میشود. اما در جمهوری اسلامی صفاتی چون تبعیض و ستم و نابرابری هنوز حق مطلب را ادا نمیکند. اینجا نزدیک به سه دهه است که یک سیستم کامل بردگی جنسی برقرار است. جمهوری اسلامی نظامی است که رسماً و قانوناً زن را نیمی از مرد محسوب میکند، تحقیر زن جزئی از تفکر وایدئولوژی حکومت اسلامی و حمله به زنان "بجحجاب" و سنگسار و اعدام زنانی که به قوانین بردگی جنسی تن نمیدهند جزئی از عملکرد هر روزه این حکومت است. این یک نظام آپارتاید جنسی است که در همه ابعاد زندگی اجتماعی و حتی مجالس و مهمانیهای خصوصی زن و مرد را از یکدیگر جدا کرده است. حجاب زنان متحرک و حصار جداسازی زنان از جامعه و نماد و مظهر این جداسازی است. برای تحقق آزادی زن و آزادی کل جامعه در ایران قبل از هر چیز باید این دیوار آپارتاید جنسی را در هم شکست.

زنان و مردان آزادیخواه!

روز هشت مارس علیه آپارتاید جنسی فریاد اعتراض خود را بلند کنید و با کنار گذاشتن حجابها عملاً دیوار آپارتاید جنسی را در هم بشکنید. در تجمعات و بیانیه ها و قطعنامه های هشت مارس به جهانیان اعلام کنید که مردم ایران این تحقیر و توهین آشکار به انسانیت را نمی پذیرند و از آنان بخواهید که نظام آپارتاید جنسی را محکوم کنند. هشت مارس امسال میتواند نقطه شروع یک جنبش جهانی بر قدرت علیه نظام آپارتاید جنسی در ایران باشد.

حمید تقوایی

### به استقبال هشت مارس روز جهانی زن برویم!



صدمین سالگرد هشت مارس روز جهانی زن از راه میرسد. امسال هشت مارس را در ایران و در دنیا به روز ابراز نفرت به جداسازی زن و مرد و تبعیض و حشیانه علیه زنان تبدیل خواهیم کرد. اعلام خواهیم کرد که رژیم آپارتاید جنسی، باید. همچون حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی منزوی و مطرود شود. اعلام خواهیم کرد که میلیونها زن در ایران بر علیه جداسازی، بر علیه آپارتاید در همه زمینه ها مشغول مبارزه هستند و ما در همه جا همبستگی و دفاع خود از این مبارزات را اعلام خواهیم کرد.

### سر اسقف کلیسا و دفاع از قوانین اسلامی

تفکیک کتب درسی؛ حذف دختران از عرصه عمومی

### نامحتملی وجود خدا

#### در صفحات دیگر:

- \* اسقف کلیسا و دفاع از قوانین اسلامی صفحه ۳
- \* تفکیک کتب درسی، صفحه ۳
- \* نامحتملی وجود خدا صفحه ۴
- \* کنفرانس بمناسبت صدمین سالگرد ۸ مارس در استکهلم / سوئد صفحه ۹
- \* اسلام و زنان صفحه ۱۰
- \* ما برنده شدیم صفحه ۱۱

قلب اردوگهای پارتیزانها را خواند. در بخش گفتگو در این موارد، در مورد نقش اسلام سیاسی و سازمانهای اسلامی در آلمان و راه حل مورد نظر مینا احدی در مقابله با نفوذ سازمانهای اسلامی و همچنین نقد او از سیاستهای دولت آلمان و مباحثات با اسلام سیاسی و همچنین نقد دخالت همه مذاهب در سیستم دولتی و آموزش و پرورش در آلمان مباحثات داغی در سالن درگرفت. در این جلسه به همت شهناز مرتب و فرزانه درخشان، میز اطلاعاتی نیز در محل برپا شد که در آن عکسهایی از مبارزات زنان در ایران بر علیه حجاب و همچنین دعوت نامه به میتینگ و راهپیمایی در مرکز شهر برلین در روز هشت مارس بین حاضرین توزیع میشد.

در طول نوروز ۲۷ و ۲۸ فوریه مینا احدی با چندین شبکه مصاحبه کرد. روز ۲۷ فوریه گفتگوی مستقیم و لایو با رادیوی آلمانی زبان "مولتی کولتی"، در روز ۲۸ فوریه مصاحبه با روزنامه "تاتس"، تلویزیون فارسی زبان پارس در مورد کتاب و همچنین راهپیمایی هشت مارس در برلین، و مصاحبه با رادیوی "ا.ر.ب.ب" در شهر پتسدام.

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم  
1 مارس 2008

[www.ex-muslime.de](http://www.ex-muslime.de)

بخشهایی از کتاب که در مورد دوران کودکی مینا است، خوانده شد. کودکی ای همراه با سایه الله و مرده ها که بر زندگان حکومت میکنند. کودکی ای که با محدودیت های فراوان و با چادر سر کردن در سن 9 سالگی ادامه می یابد و نوجوانی ای که هر انتقادی به خدا و سایه او



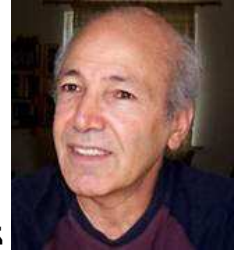
یعنی شاه حاکم بر ایران با اشد مجازات پاسخ میگیرد. در بخش دوم کتاب ازدواج اجباری مادر بزرگ و مادر او مورد بررسی قرار میگیرد و سپس آمدن حکومت اسلامی، دوران جوانی مینا احدی و مبارزه با حکومت اسلامی و چادر و آپارتاید جنسی و بالاخره تجارب تلخ مینا و تعداد زیادی از دوستان او در ایران. در بخش سوم کتابخوانی، سینا فوگت، بخشهایی از تجارب مینا در کردستان و در مبارزه مسلحانه، تجربه تلخ خودکشی یک زن حامله در اردوگاه و تجاربی از مدرسه حزبی در کردستان و مبارزه علیه اعدام و در دفاع از حقوق انسانی در

در بخش پایانی کتاب و بخش تشکر از دوستان و افراد خانواده اش، احدی ضمن تشکر از دوستان خود در ایران و در دنیا و با تشکر از مادر و همسر و خانواده اش، بهترین امتنان قلبی خود را تقدیم فردی که در زندگی او بیشترین نقش را داشته است، منصور حکمت میکند.

ابتدا سینا فوگت و مینا احدی میگویند که چگونه این کتاب نوشته شد. ایده اولیه کتاب با انجام مصاحبه هایی با سینا فوگت و پیاده کردن این مصاحبه ها به پیش میرود و در نهایت با راه افتادن جنبش "اکس - مسلم" در آلمان، انتشاراتی های مهمی پیشنهاد انتشار زندگینامه مینا را میدهند. انتشاراتی "هاینه" این کتاب را در فوریه منتشر کرده و در همه کتابفروشی ها این کتاب در دسترس عموم است.

در این کنفرانس تعدادی از دوستان قدیمی مینا احدی و از جمله سوسن صابری که در کتاب بارها از او نام برده شده، در جلسه حضور داشتند. در بخش کتابخوانی این جلسه ابتدا

حکومت شاه مبارزه کرده، با آمدن حکومت اسلامی، تجربه زندگی در یک حکومت فاشیست اسلامی را نیز دارد. مینا احدی در این کتاب در مورد جنبش چپ در ایران، مبارزات مردم بر علیه دو حکومت شاه و اسلامی و همچنین از زندگی و مبارزه پارتیزانی در کردستان حرف میزند. او به بررسی نقش منصور حکمت در جنبش چپ ایران و تأثیرات غیر قابل انکار این متفکر برجسته مارکسیست در دفاع از انسانگرایی و کمونیسم می پردازد. مینا احدی در این کتاب، بعنوان یک فعال و عضو حزب کمونیست کارگری ایران در مورد مبارزات گسترده و فعال خود علیه سنگسار و اعدام و در دفاع از حقوق انسانی زنان حرف میزند. جالب است که در این کتاب زندگینامه کوتاهی نیز از چند محکوم به اعدام و سنگسار در ایران چون کبرا نجار و یا عبدالله فریور و .. چاپ شده است. کسانی چون نازنین فاتحی، کبرا رحمانپور و شهلا جاهد افرادی هستند که در بیوگرافی مینا و در مبارزات او برای نجات جان این افراد بارها به اسامی آنها در کتاب برخورد میکنیم. یک موضوع مهم در این کتاب بررسی جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و تأثیرات مخرب این جنبش در خاورمیانه و در ایران و همچنین از زندگی مردم مهاجر و پناهنده از کشورهای اسلام زده در اروپا است. مینا احدی در این کتاب ادعا نامه خود علیه اسلام سیاسی و دخالت مذهب اسلام و همه مذاهب در زندگی مردم را ارایه داده و از همگان میخواهد با جسارت و جرات از سکولاریسم و حقوق انسانی و جهاتشمولی حقوق انسان دفاع کنند.



کازم نیکخواه

## سر اسقف کلیسا و دفاع از قوانین اسلامی

"روان ویلیامز" سر اسقف کلیسای انگلیس گفت وارد کردن بخشهایی از قوانین شریعت در قوانین رسمی انگلستان گریز ناپذیر است و از این دفاع کرد که قوانین اسلامی در انگلستان برای مسلمانان برسمیت شناخته شود. این بیانات موجی از اعتراضات و انتقادات و بحثهای تندی را از جانب طیفهای مختلف مدافعان حقوق بشر و طرفداران حقوق زنان و جریانات سکولار و غیره برانگیخت. ملکه انگلیس که رسماً در اس کلیسای انگلیس قرار دارد از

این طوفانی که برخاست ابراز نگرانی کرد و گفت که این میتواند اعتبار کلیسا و سر اسقف را بطور جدی خدشه دار کند. بهرحال این بحث همچنان در جامعه انگلیس جریان دارد و کلاً باعث شده است که يك بار دیگر بحث در مورد مذهب و نقش کلیسا و مسجد به رسانه ها کشیده شود.

تا اینجا مذهب و قوانین اسلامی با این دفاع سر اسقف نه فقط دستاوردی نداشته بلکه به همراه جناب سر اسقف يك شکست را متحمل شده است. جریانات اسلامی که در همان روز اول بیان این سخنان به يك مرتبه شروع به شادی کرده بودند، بعد از چند روز مجبور شدند خود را جمع کنند. و از این گله کنند که فشار به جریانات اسلامی در نتیجه این بیانات شدید تر شده است. جناب سر اسقف البته میدانند چه میگویند. او در فضای کشت و کشتار و ترور جریانات اسلامی در گوشه و کنار جهان، فرصت را غنیمت شمرده که در زیر سایه آنها دست به يك تعرض به قوانین و به جامعه بزند و تلاش کند دستاوردهای سکولار جامعه انگلیس را يك قدم هم که شده عقب براند. او فقط نمیخواهد قوانین اسلامی را وارد جامعه کند بلکه میخواهد به همراه آنها مذهب و کلیسا را نیز برگرداند. کلیسا اکنون و هنوز در قوانین انگلیس جایگاهی رسمی و حقوقی دارد و بخشی از مالیاتهای مردم به آن اختصاص می یابد. مذهب هنوز از آموزش و پرورش بطور کامل جارو نشده است و به بهانه ها و تحت نامهای مختلف به عرصه آموزش خود را تحمیل میکند. اینها بقایای دوره فئودالی و برده داری هستند و بقای خود را مدیون سرمایه گذاریها و تلاشها و جنگهایی هستند که طبقه حاکم در چند صد سال گذشته برای حفظ مذهب بدان متوسل شده است. طبقه سرمایه دار در برابر طوفان انقلابات و جنبشهای گسترده سکولاریستی و مترقی قرون هفده و هیجده و نوزده و بیست، با چنگ و دندان از دربار و کلیسا دفاع کرده و آنها را به عنوان سنگری در مقابل هرگونه پیشرفت و انقلاب و آزادیخواهی و تحول حفاظت میکند.

\*\*\*\*\*

بودن تحصیل و اشتغال که در کتب درسی ترویج می شود، خودشان را به دانشگاه برسانند. نگاهی گذرا به این کتب تلاش بی ثمر طراحان این کتب، برای ترغیب زنان به عدم ایفای نقش های اجتماعی را به وضوح نشان می دهد.

\*\*\*\*\*

## تفکیک کتب درسی؛ حذف دختران از عرصه عمومی

تنها به حوزه خصوصی تعلق دارند. خیل عظیم دانشجویان دختر امروز، همان دختران دانش آموز دیروزند که توانسته اند، علی رغم اسطوره مردانه

درسی مختلف به دختران و پسران که اجباراً راه های متفاوتی را برای تحصیل پیش پای آنها می گذارد، به صورت ضمنی به دختران بقبولانند که



زینب پیغمبرزاده

تفکیک کتب درسی و حتی مقاطع تحصیلی ابزار مناسبی است تا ضمن ارائه آشکار برنامه های

مذهب و نیروهای ارتجاعی اش از اصلی ترین ارگانهای سرکوب طبقات حاکم است

## نامحتملی وجود خدا



ریچارد داوکینز

ترجمه ی امیر غلامی

می توانست لطیفه ای در ابعاد کیهانی باشد.

چرا مردم به خدا اعتقاد دارند؟ پاسخ بسیاری از مردم، هنوز روایتی از برهان باستانی نظم است. مابه زیبایی و ظرافت جهان اطراف مان می نگریم - انحنای آیرودینامیک بال پرستو، لطافت گل ها و پروانه هایی را که گل ها را بارور می کنند می بینیم، با میکروسکوپ دنیای آکنده از حیات هر قطره آب دریاچه را، و با تلسکوپ تاج درخت عظیم ماموت را نظاره می کنیم. در پیچیدگی الکترونیک و کمال اپتیکی چشمان خودمان تأمل می کنیم. ظرافتی که بینایی مان را میسر می کند. اگر اصلاً قدرت تخیلی داشته باشیم، این چیزها در ما احساس تکریم و احترام برمی انگیزند. به علاوه نمی توانیم شباهت آشکار میان اندامه های زنده و طرح های دقیق مهندسی بشر را نادیده بگیریم. برهان نظم را اغلب با تشبیه خدا به ساعت ساز مطرح می کنند. تشبیهی که کشیش قرن هجدهمی ویلیام پالی به کار برد. حتی اگر شما ندانید که ساعت چیست، طراحی چرخ دنده ها و فنرها و طرز چینش آنها در کنار همیگر برای یک مقصود خاص، شما را وا می دارد که نتیجه بگیرید که "این ساعت باید سازنده ای داشته باشد، کسی که آن را به منظوری خاص طراحی کرده است؛ سازنده

مردم بسیاری از کارهایشان را به نام خدا انجام می دهند. ایرلندی ها به نام خدا همدیگر را منفجر می کنند. عرب ها به نام الله خودشان را منفجر می کنند. امام ها و آیت الله ها به نامش زنان را سرکوب می کنند. پاپ ها و کشیش های عزب به نام او زندگی جنسی مردم را به هم می ریزند. شهت های یهودی گلوی حیوانات را به نامش می برند. دستاوردهای تاریخی دین - جنگ های خونین صلیبی، شکنجه های تفتیش عقاید، قتل عام های فاتحان، میسیونری های نابودگر فرهنگ، مقاومت های در برابر حقایق جدید علمی تا آخرین لحظه ی ممکن - از این هم چشمگیرتر اند. و همه ی اینها بر چه مبنایی بوده؟ به باور من هرچه بیشتر آشکار می شود که پاسخ این است: هیچ، مطلقاً هیچ. هیچ دلیلی بر این اعتقاد نیست که هر نوع خدایی وجود داشته باشد و دلایل خیلی خوبی هست که معتقد باشیم خدایی در کار نیست و هرگز نبوده است. اعتقاد به وجود خدا وقت ها و عمرهای بی شماری را تلف کرده است. اگر خدا چنین پیامدهای مصیبت باری نداشت،

## آپارتاید جنسی، اسلام سیاسی و حقوق زنان

سمیناری به مناسبت صدمین سالگرد هشت مارس، روز جهانی زن

دوشنبه ، 10 مارس 2008 از ساعت 18.30 تا 21.30 در  
Conway Hall, London

### سخنرانان:

مینا احدی؛ سخنگوی شورای مرکزی اکس مسلم آلمان، و سخنگوی سازمان علیه تبعیض، سکولاریست سال

لوییز کالینگ، رئیس کمیته محلی زنان یونیسف و عضو شورای اجرایی آن

هوزان محمود سخنگوی سازمان آزادی زن عراق

مریم نمازی سخنگوی سازمان اکس مسلم انگلستان ، سخنگوی سازمان علیه تبعیض جوان اسمیت، عضو افتخاری جامعه سکولارهای انگلستان، رمان نویس و ستون نویس و فعال حقوق بشر

این سمینار توسط سازمان اکس مسلم انگلستان و سازمان علیه تبعیض سازمان داده شده و جامعه سکولارهای انگلستان، سازمان اومانیتهای انگلستان و سازمان همجنسگرایان انگلستان از آن حمایت کرده اند.

ورود عموم آزاد و مجانی است. از کمکهای مالی استقبال می شود

## تلویزیون "کانال جدید"، صدای جنبش سرنگونی را کمک مالی کنید!

تلویزیون "کانال جدید" متعلق به کارگران و مردم ستمدیده ای است که سهمی جز فقر و محرومیت و سرکوب آرزوهای انسانی خود، ندارند. صدای اعتراض زنان به وضعیت غیرانسانی خویش است، صدای اعتراض همه انسانهای شریف و آزاده است که خواهان به گور سپردن این نظام کثیف و حکومت حامی آن هستند. تلویزیون "کانال جدید" صدای انسانیت، صدای حق طلبی، صدای آرمانهای انسانی اکثریت عظیم مردم و صدای اعتراض بحق آنها است.

Bank: Nat West  
IBAN:GB77 NWBK  
6024 2345 4779 81  
BIC: NWBK GB 2L

Account nr:  
45 47 79 81 Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green

ماهواره هات برد  
پلاریزاسیون عمودی  
سیمبل ریت  
فرکانس  
اف ای سی

۸  
( Vertical )  
۲۷۵۰۰  
۱۲۳۰۳ مگاهرتز  
۳/۴

اعضای بدن نیز صادق است. از میان تریلیون ها تریلیون طریق قرار گرفتن اعضای بدن، تنها اقلیت ناچیزی دارای حیات خواهند بود، به دنبال غذا می گردند، و تولید مثل می کنند. درست است که حیات به شیوه های گوناگونی ممکن است - اگر گونه های زنده ی امروزی را بشماریم دست کم ده میلیون تا می شوند - اما طرق حیات هر قدر هم که زیاد باشند، مسلماً طرق ممت بسی بیش از آنهاست!

پس به راحتی می توانیم نتیجه بگیریم که موجودات زنده میلیاردها بار پیچیده تر از آنند - احتمال وقوع کمتری دارند - که شانس ایجاد شده باشند. پس چگونه ایجاد شده اند؟ پاسخ این است که بخت در این قضیه نخیل است، اما نه بخت صرف و یکباره. بلکه یک سلسله از بخت های کوچک، که هر یک آنقدر کوچک اند، که می توان گفت حاصل بخت های پیشین شان بوده اند، که در یک توالی پیاپی رخ داده اند. این گام های کوچک، ناشی از جهش ها ←

بسیار نامحتمل است. هنگامی که در زمین چمن گلف، توپی بر روی ساقه ی علف خاصی فرود می آید، ابلهانه است که فریاد کنیم: "از میان میلیاردها ساقه ی علف که توپ می توانست بر آنها فرود بیاید، توپ بر روی این یکی افتاده است. چه قدر عجیب، چه قدر معجزه آسا و نامحتمل!" البته اشتباه استدلال در اینجا است که توپ بالاخره باید جایی فرود آید. ما تنها هنگامی می توانیم از نامحتملی رخداد فعلی فریاد و اعجاب سردهیم که از پیش این ساقه ی علف معین را نشان کرده باشیم برای

در همه ی چیزهایی که به نظر می رسد که باید طراحی داشته باشند چه وجه مشترکی هست؟ پاسخ، ضعیف بودن احتمال ایجاد تصادفی آنهاست. اینکه بخت یا شانس ایجاد چیزی به طور نظری صفر نیست را نمی توان به عنوان تبیین ایجاد یک شیء محسوب کرد.

مثال، اگر کسی با چشمان بسته دور مقرّ توپ بچرخد، کتره ای توپ را بزند، و توپ درست توی سوراخ بیافتد، این واقعاً شگفت انگیز خواهد بود. زیرا هدف از پیش تعیین شده است.

از تریلیون ها طریق کنار هم گرفتن اتم های یک تلسکوپ، تنها اقلیتی به عنوان تلسکوپ به کار می کنند. و فقط شمار بسیار قلیلی دارای مارک Carl Zeiss، یا هر کلمه ای به هر زبان انسانی، خواهند بود. همین مطلب در مورد اجزای ساعت هم صدق می کند: از میلیاردها طریق ممکن برای کنار هم قرار گرفتن اتم های یک ساعت، تنها اقلیت قلیلی زمان دقیق را نشان خواهند داد یا اصلاً کار خواهند کرد. و مسلماً همین مطلب در مورد

به شکل یک عدسی درآمده، نتیجه نمی گیریم که این سنگ باید توسط یک عدسی ساز طراحی شده باشد: قوانین فیزیکی می توانند به چنین نتیجه ای منجر شوند؛ وقوع چنین "پیش آمدی" نامحتمل نیست. اما اگر یک عدسی ترکیبی پیچیده را بیابیم که چنان به دقت تراش یافته که خطا و انحراف اپتیکی نداشته باشد، و پوشش ضددرخشندگی خورده باشد، و بر قاب اش مارک "Carl Zeiss" درج شده باشد، می دانیم که این عدسی نمی تواند شانسی ایجاد شده باشد. اگر همه ی اتم های تشکیل

دهنده ی این عدسی را کنار هم بریزید و به هم بزنید، تحت قوانین فیزیکی طبیعت، به طور نظری ممکن است که از بخت خوش، این طور پیش آید که در نهایت به شکل لنز Carl Zeiss، با همان مارک حکاکی شده، کنار هم قرار گیرند. اما دیگر شیوه های قرار گرفتن اتم ها کنار هم، با احتمال وقوع مساوی، چنان فراوان اند که ما می توانیم بخت وقوع شکل مورد نظر را منتفی بدانیم. اینکه بخت یا شانس ایجاد چیزی به طور نظری صفر نیست را نمی توان به عنوان تبیین ایجاد یک شیء محسوب کرد.

اما این استدلال نوری نیست. بدان خاطر ممکن است نوری به نظر برسد که می توان گفت هر آرایش خاصی از اتم ها که رخ داده باشد،

ای که از سازوکار آن آگاه است، و کاربردی برای این طراحی داشته است. اگر این نتیجه گیری در مورد یک ساعت ساده درست باشد، پس آیا کاملاً درست نیست که در مورد چشم، گوش، کلیه، مفصل آرنج، و مغز هم بگوییم که طراح هوشمند و هدفمندی دارند؟ این ساختارهای زیبا، پیچیده، ظریف، و آشکارا طراحی شده به مقصود خاص هم باید طراحی، ساعت سازی، داشته باشند - که همانا خداست.

استدلال پالی چنین بود، و این استدلالی است که تقریباً همه ی افراد هوشمند و حساس در مرحله ای از کودکی شان بدان رسیده اند. این استدلال در طول تاریخ کاملاً متقاعد کننده جلوه کرده است، و نتیجه ی آن را یک حقیقت مسلم انگاشته اند. اما امروزه، به یاری یکی از خیره کننده ترین انقلاب های فکری تاریخ، می دانیم که این نتیجه گیری نادرست، یا دست کم غیرضروری است. اکنون ما می دانیم که نظم و هدفمندی ظاهری جهان موجودات زنده حاصل فرآیندی سراسر متفاوت است. فرآیندی که بدون نیاز به وجود هرگونه طراح عمل می کند و پیامد قوانین کاملاً ساده ی فیزیک است. این فرآیند، تکامل بر پایه ی انتخاب طبیعی است، که توسط چارلز داروین، و به طور مجزا توسط آلفرد راسل والاس، کشف شد.

در همه ی چیزهایی که به نظر می رسد که باید طراحی داشته باشند چه وجه مشترکی هست؟ پاسخ، ضعیف بودن احتمال ایجاد تصادفی آنهاست. اگر یک تکه سنگ را در ساحل دریا ببینیم که در اثر امواج به مرور زمان

به سازمان اکس مسلم کمک مالی کنید

Spendenkonto des ZDE

Post bank Dortmund

BLZ: 44010046

Kontonummer :

995 756 463

IBAN: DE12 4401

0046 0995 7564 63

BIK : PBNK DEFF

دراز است که تفاوت میان تاریخ و اسطوره را تیره و تاری می کند. آیا می توانید یک میلیون از این بازه های زمانی را کنار هم تصور کنید؟ فرض کنید بخواهیم کل تاریخ را بر یک طومار بنویسیم اگر همه ی دوران پس از تولد مسیح یک متر از این طومار را اشغال کند، بخش قبل از مسیح این طومار، تا زمان شروع تکامل، چقدر درازا خواهد داشت؟ پاسخ این است که این قسمت طومار به درازای فاصله ی میلان تا مسکو خواهد بود. تصور کنید که این مطلب به چه نتایجی در مورد انباشتگی تغییرات تکاملی منجر می شود. همه ی انواع سگ های خانگی - سگ پگتی، پودل، اسپانیول (سگ پشمالو با گوش های آویزان)، سن برنارد، و شیاوس - در یک بازه ی زمانی چندصد ساله یا دست بالا چند هزار ساله از نسل گرگ ایجاد شده اند: بر روی طومار ما این واقعه در فاصله ی بیش از دویست متری جاده ی میلان به سمت مسکو قرار نمی گیرد. به کیفیت تغییراتی که از گرگ به سگ اسپانیول منجر شده فکر کنید؛ حال این کیفیت تغییرات را یک میلیون برابر کنید. هنگامی که اینطور به قضایا نگاه کنید می بینید که به راحتی می توان پذیرفت که چشم بتواند اندک اندک از غیر چشم ایجاد شده باشد. اما باید خود را متقاعد کنیم که هر کدام از مراحل میانی سیر تکاملی، گیریم از پوست خالی به چشم امروزی، مطلوب انتخاب طبیعی بوده است؛ نسبت به پیشینیان اش در

خیلی زیاد است. دستورالعمل "صحیح" مستلزم تغییرات همزمان در تعداد عظیمی از ژن هاست. این دستورالعمل صحیح، یک دسته تغییرات ژنتیک ممکن در میان تریلیون ها ترکیب شانس می ممکن دیگر است. البته می توانیم چنین رخداد معجزه آسایی را منتفی بدانیم. اما کاملاً ممکن است که چشم امروزی از چشمی تکامل یافته باشد که تنها اندکی با آن فرق داشته است: چشمی که پیچیدگی آن اندکی کمتر بوده است. به همین ترتیب آن چشم هم پیامد چشمی بوده که فقط اندکی ساده تر از آن بوده، و الی آخر. اگر تعداد بقدر کافی زیادی از تفاوت های بقدر کافی کوچک میان هر مرحله ی تکاملی با مرحله ی پیش از آن را در نظر بگیرید، به خوبی می توانید ریشه ی چشم امروزی را در تکامل پوست خشک و خالی سابق بیابید. اما چند مرحله ی میانی را می توانیم فرض کنیم؟ بستگی به این دارد که چقدر زمان در اختیار داشته باشیم. آیا زمان کافی برای تکامل چشم از هیچ به حالت امروزی اش بوده است؟

فسیل ها به ما می گویند که تکامل حیات بر روی زمین از بیش از 3000 میلیون سال پیش آغاز شده است. درک درازای این زمان برای ذهن انسان تقریباً غیر ممکن است. ما، طبیعتاً و نیک بختانه، طول عمر قابل انتظار خود را زمان کاملاً دارازی می یابیم، اما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که حتی بیش از یک قرن عمر کنیم. اکنون 2000 سال از تولد مسیح سپری شده است. زمانی که آن قدر

(موتاسیون) های ژنتیکی بوده اند، یعنی تغییراتی کتره ای - در واقع اشتباهی - که در مواد ژنتیکی رخ می دهد. این جهش ها منجر به تغییراتی در ساختار بدن نسل های جدید می شوند. بسیاری از این تغییرات زیان بار هستند و به مرگ منجر می شوند. اما اقلیتی از آنها به بهبودهای جزئی می انجامند، یعنی بخت بقا و تولید مثل موجود را افزایش می دهند. با این فرآیند انتخاب طبیعی، آن تغییرات کتره ای که سومند از آب درآمده اند به تدریج در میان یک گونه گسترش می یابند و عادی می شوند. حال صحنه برای تغییر کوچک بعدی در فرآیند تکاملی مهیاست. بعد از گیریم هزار تا از این تغییرات کوچک متوالی، که در آن هر تغییری مبنای تغییر بعدی است، نتیجه نهایی که حاصل جمع این تغییرات است، بسیار پیچیده تر از هر یک از آن تغییرها می شود.

برای مثال، به لحاظ نظری ممکن است که چشم ها به یک باره، در یک گام شانس واحد، از هیچ ایجاد شده باشند: گیریم از پوست خشک و خالی. این امکان نظری بدان معناست که می توان یک دستورالعمل واحد نوشت که در آن همه ی جهش های ژنتیکی که به ایجاد چشم منجر می شوند نوشته شده باشد. اگر همه ی این جهش ها همزمان رخ دهند، می توان یک چشم کامل را از هیچ ایجاد کرد. اما گرچه این امر به طور نظری ممکن است، اما در عمل قابل تصور نیست. میزان بختی که لازم دارد

**صدور و اجرای احکام مذهبی را با اجتماعات خود**

**بطور گسترده لغو کنید!**

در مورد آن بخش این استدلال که می گوید شما نمی توانید با یک بال نصفه نیمه بپرید، می توان جانواران بسیاری را مثال زد که با وجودی که بال های کاملی ندارند، با موفقیت در هوا سر می خورند، انواع بسیار مختلفی از پستانداران، مارمولک ها، قورباغه ها، مارها، و هشت پاها چنین قابلیتی دارند. بسیاری از جانواران درخت زی دارای پرّه های پوستی میان مفاصل شان هستند که واقعاً مانند بال عمل می کنند. هنگامی که از درخت می افتید، هر پرّه ی پوستی یا سطح گسترده ای از بدن که سطح تماس شما را با هوا افزایش دهد می تواند به نجات جان تان کمک کند. و چه این پرّه ها کوچک باشند و چه بزرگ، ارتقاعی حساس هست که اگر پرّه های پوستی تان اندکی بیشتر باشد، افتادن تان از درختی به آن بلندی، آن پرّه های اضافی جان تان را نجات دهند. پس پرّه های اضافی که در پیشینیان تان ایجاد شده باشند، جان آنها را اندکی بیشتر حفاظت می کرده است، زیرا به آنها اجازه می داده که هنگام افتادن از درخت های بلندتری جان سالم به در برند. و به همین ترتیب که جلو برویم و این تغییرات نامحسوس را پیگیری کنیم، می بینیم که چند صد نسل بعد به بال های حقیقی می رسیم.

چشم ها و بال ها نمی توانند یک مرتبه به وجود بیایند. همانطور که برای دستیابی یکباره و حدسی به یک شماره رمز گاو صندوق بانک به بختی قریب به بینهایت نیاز دارید. اما اگر به طور کثرت ای شماره ها ی مختلف را امتحان کنید، و هر بار اندکی به شماره ی بختیار نزدیک تر شوید، بالاخره خواهید توانست در را باز کنید! اصولاً این همان کلید

معمای دستیابی انتخاب طبیعی به چیزهایی است که روزگاری ناممکن شمرده می شد. چیزهایی را که مشکل بتوان از نیلکانی به ارث برد که بسیار با ما فرق دارند، می توان از نیلکانی به ارث برد که تنها تفاوت اندکی با ما دارند. تنها به شرط اینکه سلسله ی به قدر کافی درازی از این تغییرات اندک میان نسل ها وجود داشته باشد، می توان هر چیزی را از چیز دیگر به ارث برد.

به این ترتیب، تکامل از لحاظ نظری *قادر* است از پس کارهایی برآید که روزگاری تنها حق انحصاری خدا محسوب می شد. اما آیا اصلاً شواهدی دال بر اینکه تکامل واقعاً رخ داده وجود دارد؟ پاسخ مثبت است؛ شواهد فراوان اند. میلیون ها فسیل درست در مکان ها و درست در عمق هایی یافت شده اند که انتظار داریم اگر تکامل رخ داده باشد، باید یافت شود. اما هرگز هیچ فسیلی هیچ جا یافت نشده که مورد انتظار نظریه ی تکامل نبوده باشد، گرچه چنین چیزی می توانست به سادگی رخ دهد: مثلاً یافتن فسیل یک پستاندار در میان سنگ هایی چنان قدیمی که در آن زمان تنها ماهیان وجود داشتند، کافیت تا نظریه ی تکامل را ابطال کند.

الگوی توزیع جانوران و گیاهان بر روی قاره ها و جزیره های جهان دقیقاً مطابق انتظار است. یعنی اینکه این موجودات در طی تغییرات آهسته و تدریجی از نیلکان مشترک به وجود آمده اند. الگوهای شباهت میان جانوران و گیاهان دقیقاً مطابق انتظار نظریه ی تکامل است. یعنی برخی پسرعموهای نزدیک و برخی پسرعموهای دورتر یکیگراند. این

واقعیت که کد ژنتیک در تمام موجودات زنده یکسان است، قویاً حاکی از آن است که همه ی آنها فرزندان نیلکان واحدی هستند. شواهد حاکی از تکامل چنان متقاعد کننده اند که تنها طریق حفظ نظریه ی آفرینش این است که فرض کنیم که خدا عمداً شواهد فراوانی را چنان دست چین کرده که به نظر برسد که انگار تکامل رخ داده است. به بیان دیگر، فسیل های توزیع جغرافیایی جانوران، و غیره، همگی جزئی از یک کلک عظیم الاهی باشند. آیا کسی حاضر می شود خدایی را عبادت کند که دست به چنین حقه بازی کلانی می زند؟ مسلماً محترمانه تر، و از نظر علمی قابل قبول تر، آن است که این شواهد را همان طور که به نظر می رسند تفسیر کنیم. همه ی موجودات زنده خویشاوندان همدیگرند، که نیای دور مشترکی دارند که بیش از 3000 میلیون سال پیش می زیسته است.

پس برهان نظم به عنوان دلیلی برای باور به وجود خدا، شکست خورده است. آیا برهان دیگری هم باقی می ماند؟ برخی از مردم به خاطر آنچه که نوعی شهود درونی می نماید به خدا باور دارند. چنین شهودهایی همواره قابل حصول نیستند اما بدون شک برای برخی قابل قبول می نمایند. بسیاری از ساکنان آسایشگاه های روانی هم ایمان قلبی استواری دارند که ناپلنون، یا حتی خود خدا، هستند. شکی نیست که چنین اعتقاداتی برایشان بسیار نیرومند است، اما این دلیل نمی شود که بقیه ی ما هم بدان باورها بگرویم. درحقیقت، از آنجا که چنین باورهایی با هم در تناقض اند، اصلاً نمی توانیم آنها را پپنییریم

مطالب اندک دیگری هم هست که باید گفته شود. تکامل توسط انتخاب طبیعی بسیاری چیزها را توضیح می دهد، اما نمی تواند از صفر شروع کند. تکامل نمی توانسته بدون وجود نوعی زادآوری و وراثت ابتدایی آغاز شود. وراثت امروزین توسط رشته ی DNA انجام می گیرد. به نظر می رسد که این بدان معناست که باید نظام وراثت قدیمی تری نیز موجود بوده باشد، که اکنون ناپدید شده است. آن نظام قدیمی آنقدر ساده بوده که توانسته به طور شائسی توسط قوانین شیمی ایجاد شود و واسطه ای فراهم کند که توسط آن

از طریق ارتباط بانکی زیر قادر به پرداخت کمکهای مالی خود به سازمان "اکس مسلم" هستید

**Spendenkonto des ZDE  
Post bank  
Dortmund**

**BLZ: 44010046  
Kontonummer :  
995 756 463**

**IBAN: DE12 4401  
0046 0995 7564 63**

**BIK : PBNK DEFF**

**آدرسهای تماس در  
انگلستان:**

**Council of Ex-Muslims of  
Britain**

**BM Box 1919  
London WC1N 3XX  
UK**

شکل ابتدایی انتخاب طبیعی انباشتی شروع شود. DNA یک محصول جدیدتر این انتخاب انباشتی قدیمی بوده است. قبل از این نوع اولیه ی انتخاب طبیعی، دوره ای بوده است که ترکیبات پیچیده ی شیمیایی از ترکیبات ساده تر ساخته می شده اند و قبل از آن دوره ای بوده که عناصر شیمیایی مطابق قوانین شناخته شده ی فیزیک از عناصر ساده تر ساخته می شده اند. پیش از آن، درست در لحظات پس از بیگ بنگ که آغاز جهان بوده، همه چیز نهایتاً از هیدروژن خالص ساخته شده است. این استدلال هم اغوا کننده است که بگوییم: اگرچه ممکن است برای توضیح تکامل نظم های پیچیده ای که از آغاز جهان با قوانین بنیادی فیزیکی اش شکل گرفته اند، فرض وجود خدا ضرورتی نداشته باشد، اما باز هم لازم است که وجود خدا را به عنوان منشاء ایجاد همه ی چیزها فرض بگیریم. این ایده، کار چندانی برای خدا باقی نمی گذارد: تنها کار بیگ بنگ را سروسامان بده و بعد برو استراحت کن و منتظر باش تا همه چیز خود به خود رخ دهد. شیمی-فیزیک دانی به نام پیتر آتکینز در کتاب شیوایش به نام *خلفت*، خدای تنبلی را فرض می گیرد که می کوشد تا آنجا که می تواند کار کمتری برای شروع همه چیز انجام دهد. آتکینز توضیح می دهد که چگونه هر مرحله از تاریخ کیهان توسط قوانین ساده ی فیزیکی، از دوره ی قلبی اش ناشی شده است. آنگاه میزان کاری را که لازم بوده که خدای تنبلی انجام دهد

کسر می کند و عاقبت نتیجه می گیرد که این کار مورد نیاز درحقیقت صفر است!

جزئیات فاز قبل از تکاملی جهان، متعلق به حیطه ی فیزیک است، اما من زیست شناسم، و توجه ام بیشتر معطوف به فازهای متأخر تکامل نظم و پیچیدگی است. برای من درس مهم این است که، حتی اگر فیزیک دان ها محتاج باشند وجود یک خدای حداقلی تحویل ناشدنی را فرض بگیرند که برای راه انداختن آغاز جهان ضروری باشد، آن حداقل تحویل ناشدنی مسلماً بی نهایت ساده خواهد بود. بنا به تعریف، تبیین هایی که بر پایه ی مقدمات ساده ارائه می شوند پذیرفتنی تر و رضایت بخش تر از تبیین هایی هستند که موجودات پیچیده

\* ترجمه امیر غلامی

## ”ضد دین“ را

با ارسال مقالات، عکسها، نامه ها و گزارشات خود از مبارزه بر علیه اسلام و اسلام سیاسی؛ از همایش ها و پیوست خود به اکس مسلم،

یاری دهید !!!



نقدی کوتاه به **فیلم سینمایی ”پرسپولیس“** کشور اسلامی است. جامعه ای که

صاحبان قدرت در آن از بدو کسب قدرت سیاسی، لحظه ای نیز از سرکوب و اعمال سیاهترین جنایتهای بشری در برابر زنان، کودکان و جوانان، کارگران و دگراندیشان باز نایستاده است. رسوایی و عدم امکان فریب های بین المللی رژیم برای تثبیت و کسب حمایت از دولتهای ارتجاعی، بالطبع

انسانها از احکام اعدام، تنها و تنها نمونه های بسیار کوچکی از این مبارزه زنده مهاجرین در خارج از کشور بر علیه رژیم ضد انسانی اسلامی است.

از ادامه مبارزه مهاجرین ایرانی و مردم کشورهای زیست آنها میسر بود. مبارزه مردمیکه با سازماندهی خود در احزاب و سازمانهای سیاسی، به مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی ادامه داده و امروز نقش بسیار موثر خود را در سازماندهی و رهبری مبارزات دانشجویان، کارگران و زنان در ایران به دولتها و مردم ایران ثابت کرده اند. تماس زندانیان اسیر نرخیمان اسلامی با رهبران مبارزات جنبش سرنگونی در خارج، کمپینهای اعتراضی بر علیه سنگسار و اعدام و نجات

انیمیشن پرسپولیس که وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ را بر اساس زندگی نامه ”مرجان ساتراپی“ روایت می کند، تاکنون یک میلیون و دویست هزار تماشاگر در فرانسه را به سوی خود جلب کرده است. این انیمیشن پیش از این نیز جایزه هیئت ژوری آخرین جشنواره کن را برده بود و در فهرست بهترین فیلم انیمیشن برای شرکت در جشنواره اسکار نیز قرار گرفته بود که موفق به دریافت جایزه اسکار نشد.

\*خاطره مرجان، خاطره هزاران هزار ایرانی است، که نه سیاسی خود را به رژیم اسلامی با مهاجرت به کشورهای دور و نزدیک عملی کرده اند. این افشاگری دیگری از نا عدالتی های اجتماعی در

**قوانین و مقررات اسلام هیچ مطابقتی با حقوق و ارزشهای انسانی ندارد**



## کنفرانس 27 فوریه 2008 بمناسبت صدمین سالگرد 8 مارس

سرکوب و تحقیر آپارتاید جنسی پرداخت و از وجود یک جنبش قدرتمند و گسترده، برابری طلب و رادیکال مردم و بخصوص زنان در ایران صحبت کرد. وی ضمن معرفی کمپین محکومیت آپارتاید جنسی در ایران همگان را به حمایت از این کمپین فرخواند و بیانیه این کمپین را که از قبل به امضای سخنرانان رسیده بود، به امضای اکثریت شرکت کنندگان در کنفرانس رسانید.

بخشی از کنفرانس به در اجرای تئاتری که پیرامون مبارزه علیه آپارتاید جنسی در ایران اختصاص داشت صحنه ای از خوابگاههای دانشجویی دختران و شیوه کنترل آنها توسط اوباشان آپارتاید جنسی در ایران و تحقیر و تبعیض دانشجویان را به نمایش میگذاشت.

متخصص و مبتکر تشکل علیه خشونت های ناموسی و مهین علیپور مسئول سراسری "علیه تبعیض" شرکت داشتند.

لارش ویلکس تصاویری از سرکوب زنان و مبارزه آنان در ایران نشان داد که بطور برجسته ایی شکست آپارتاید جنسی را در مقابل این جنبش رادیکال و آزادی زن در آینده نوید میداد.

مهین علیپور ضمن تشریح ابعاد ستم به زن در ایران و واپسگرائی و بیرحم بودن رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، یک روز زندگی یک زن در ایران را برای حاضرین تشریح کرد و با این کار به درک بهتر عمق مسئله و مکانیزمهای

روز چهارشنبه ۲۷ فوریه از ساعت ۱ تا ۵ بعدازظهر در شهر استکهلم این کنفرانسی به مناسبت هشت مارس با موفقیت برگزار شد.

در این کنفرانس که توسط "کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران" و "علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" سازمان داده شده بود، چهره های سرشناسی از هنر و سیاست چون لارش ویلکس هنرمند و پروفیسور هنر، آنکی الکن نماینده مجلس سوئد، اینگوار اوهمن نویسنده و مسئول اومانیست ها در استکهلم، نینا لکاندر ژورنالیست از روزنامه اکسپرسن، هلاله رافع مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در عراق، ماریا هلگری



علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن  
29 فوریه 2008  
استکهلم

صحنه ای از تئاتر، وقت استراحت، منوچهر ماسوری در حال جمع آوری کمکهای مالی از شرکت کنندگان و لارس ویلکسن در حال سخنرانی

## ضد دین را بدوستان خود معرفی کنید

## اسلام و زنان

**مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت محمد  
برگرفته از «نهج‌الفصاحه»**

و آن زنان را که از نافرمانی شان بیم دارید اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزنی‌شان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید.» (34)

«حق شوهر بر زن آن است که بدون اجازه‌ی او، جز روزه‌ی واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است [و از او] نپذیرند. و بدون اجازه‌ی او [مرد] چیزی از مال او را به کسان ندهد. اگر داد ثوابش از شوهر و گناه [از زن است] و از خانه‌ی او [مرد] بی اجازه بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب، او را لعنت کنند، تا توبه کند یا بازگردد؛ اگر چه شوهرش ستمگر باشد!» (شماره 1388، صص 445 تا 446)

زنان اصلی‌ترین قربانیان  
اسلام هستند



«گروهی که زمامدارشان زن است، رستگاری نییند.» (ش 2551 ص 683)  
«وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح [یا تا وقتی که زن به خانه برگردد] او را لعنت کنند.» (ش 187، ص 190)  
«در جهنم نگریم و دیدم که بیشتر مردمان آن زناند.» (ش 331، ص 219)

\*\*\*\*\*

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کنند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند.» (ش 2348، صص 650 تا 651)

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زنان دستور می‌دادم شوهران خویش را سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است.» (ش 2349، ص 651)

«بدترین زنان شما آرایش‌کنان و متکبرانند و آنان منافقاند و از آن‌ها جز به اندازه‌ی کلاهی که خط سفید برگردن دارد، به بهشت نمی‌روند.» (ش 1535، ص 475)

«اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت.» (ش 2358، ص 653)

«اگر زنان نبودند، خدا چنان که شایسته‌ی پرستش اوست، پرستیده می‌شد.» (ش 2361، ص 653)

«النساء حباله الشیطان، زنان، دام‌های شیطانند.» (ش 3153، ص 789)

«وای بر زنان از دو چیز، طلا و جامه‌ی زیبا.» (ش 3190، ص 796)

«خدا مامله‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: "کمی بعد" تا خوابش ببرد.» (ش 2237، ص 628)

«از دنیا بترسید و از زنان پرهیزید؛ زیرا شیطان، نگران و در کمین است و هیچ‌یک از دام‌های وی [شیطان] برای پرهیزگاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.» (ش 50 ص 164)

«از بی‌لباسی برای نگه داری زنان [در خانه] کمک جوئید؛ زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد، مایل به بیرون رفتن است.» (ش 282 ص 209)

«از هیچ فتنه‌ای که خطرناک‌تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم.» (ش 2611، ص 694)

«هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگردد، زناکار است.» (ش 2157، ص 611)

«پس از من برای مردان، فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.» (ش 2572، ص 678)

به ما پیوندید

<http://www.ex-muslime.com/Persian/ozviat.htm>

با مراجعه به لینک بالا می‌توانید  
آنلاین به عضویت سازمان اکس  
مسلم در آید

[www.Ex-Muslime.de](http://www.Ex-Muslime.de)

برای ملاحظه آرشیو ضدین  
<http://www.exmuslim.net/>

به سایت بالا مراجعه کنید

**دست مذهب از زندگی مردم کوتاه**

## ما برنده شدیم!

### دادگاهی در شهر بن آلمان، علیه وزیر زنان و خانواده و به نفع نویسندگان کتاب رای داد!

کتاب میکایل اشمیت سالمون فیلسوف معروف آلمانی و هلگه نینکه از کتابفروشی ها در آلمان جمع نمیشود. چرا که دادگاهی در شهر بن به شکایت رسمی وزیر زنان و خانواده آلمان در مورد این کتاب امروز به نفع نویسندگان کتاب و علیه وزیر زنان رای داد. این دادگاه که مسوولیت رسیدگی به شکایتی را بر عهده داشت که ادعا کرده بود، این کتاب به ضرر جوانان است و از اینکه کتاب به همه مذاهب توهین کرده است، ابراز ناخرسندی کرده بود، اعلام کرد که مضمون این کتاب خطری برای جوانان ندارد.

میکایل اشمیت سالمون امروز صبح لحظاتی بعد از پایان دادگاه از یک پیروزی در آلمان و پیروزی آزادی عقیده و بیان سخن گفت و اعلام کرد که ما در آلمان به نقد مذهب ادامه خواهیم داد.

سازمان جردانو برونو که میکایل اشمیت سالمون سخنگوی آنست، در روزهای 2 و 3 ماه مارس در مرکز شهر برلین از یک مجسمه بزرگ جردانوبرونو منتقد مذهب که به دست مخالفین خود در قرن ۱۶ زنده سوزانده شد، پرده برداری کرد و اعلام کرد که این مجسمه یادآور مبارزه برای آزادی بیان و عقیده و مقابله با خرافات مذهبی است. شهر برلین از سوی نهادهای متعددی در این روزها مرکز اومانیسم و دفاع از حقوق انسانی اعلام شد و گفته شد مبارزه سکولاریستها و آتئیست ها در دفاع از آزادی بیان و عقیده به پیش میرود. شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان با ابراز شادمانی عمیق خود از این پیروزی، به همگان اعلام میکند که آزادی بیان و عقیده و آزادی نقد مذهب، یکی از اولیه ترین حقوق انسانی است و باید با تمام قوا از آن دفاع کرد.

ما این پیروزی را به میکایل اشمیت سالمون و سازمان جردانو برونو تبریک میگوییم.

### شورای مرکزی اکس مسلم

6 مارس 2008

**طول تاریخ دانشگاه بی نظیر بوده است، به همین خاطر من هدیه خود را به شما تقدیم می کنم.** بعد هدیه خود را به جناب رئیس می دهد و ایشان از گرفتن هدیه امتناع می کند، به همین خاطر دانشجوی مذکور هدیه را جلوی پای رئیس گذاشته و پایین می آید.

۲۸ فوریه 2008 -

### نفر دوم کنکور، هدیه اش را در اعتراض به اخراج بعضی دانشجویان معترض پس داد

اجازه می دهد، سپس دانشجوی مذکور تبریک خود را اینگونه اظهار می کند: **” جناب آقای شریعتی من به خاطر سرعت عمل و مهارتی که شما از خود نشان دادید و در عرض مدت کوتاهی ۴۰ حکم محرومیت از تحصیل برای دانشجویان این دانشگاه صادر کردید، به شما تبریک عرض می کنم دستاورد شما در**

سراسری در بین ورودی های همان سال که امسال جشن اتمام تحصیل می گیرد، هنگام گرفتن هدیه اش، از مسئول برگزاری مراسم می خواهد که چند دقیقه وقت در اختیار وی بگذارند تا بتواند از ریاست دانشگاه حجت الاسلام والمسلمین شریعتی تشکر کند. مقام مسول با کمال میل

در جریان جشن فارغ التحصیلی جمعی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، هنگامی که دانشجویان به مناسبت فارغ التحصیلی روی سن می رفتند و از طرف رئیس روحانی دانشگاه علامه هدیه ای به رسم یادبود دریافت می کردند، دانشجوی رتبه ۲ کنکور





# جبهه سوم



بیانیه جبهه سوم در برابر

## میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکش که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانهای تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قدم علم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قدرمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی؟ نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صدر دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

- 1- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی.
- تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.
- 2- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی.
- جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.
- 3- خلع سلاح اتمی همه دولتها.
- نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوردیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع نصلحی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کلبوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.
- 4- تعرض به حقوق مدنی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود.
- دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای مدنی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.
- 5- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم.
- مردم ایران که 27 سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قدر منشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.
- 6- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود.
- جمهوری اسلامی بدلیل 27 سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمته مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حاکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانهای تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.

ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای انساندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

**بیانیه را امضا کنید**

<http://farsi.thirdcamp.com/farsimanifest.php#ign>